

واکاوی سیاست موازنه گرای ایران و روسیه در قبال آمریکا از دیدگاه کنت والتز

محمد بیدگلی^۱، اصغر رجیبی ده برزوئی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۰

چکیده: در طول بیش از چهار دهه گذشته از حیات جمهوری اسلامی ایران رابطه با فدراسیون روسیه همواره از اولویت های سیاست خارجی ایران بوده است. رمزگشایی از علت تداوم روابط سیاسی و اقتصادی عمیق دو کشور در حال حاضر همواره از دغدغه های پژوهشگران روابط بین الملل بوده است. به رغم رویارویی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه و پیوندهای عمیق میان روسیه و اسرائیل و سطح مناسبات دیپلماتیک این دو کشور، چگونه روسیه توانسته است این روابط را به سطح استراتژیک با ایران برساند. هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال اساسی است سیاست موازنه گرایی ایران و روسیه در قبال ایالات متحده آمریکا از دیدگاه کنت والتز چیست؟ این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و با الهام گرفتن از نظریه موازنه گرای کنت والتز در تحلیل روابط ایران و روسیه استفاده شده است. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که روسیه با تاکید بر منافع مشترک خود با ایران به توسعه الگوهای مشارکتی در تنظیم روابط دوجانبه خود در سطح همکاری های مختلف نظامی، سیاسی و اقتصادی پرداخته و الگوی رفتاری موازنه گرایی را بهترین رویکرد در قبال این متحد تاکتیکی خود برگزیده است.

واژگان اصلی: اسرائیل، ایران، روسیه، سیاست موازنه گرایی، کنت والتز.

۱. مدرس مدعو علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین، ورامین، ایران (نویسنده مسئول)

mohammad.bidgoli@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیات علمی دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران

مقدمه

اساس علم سیاست و مبنای نهایی تحقیق سیاسی، ساختارسازی و چارچوب بندی مواد خام است. تفاوت یک عالم سیاسی متوسط و یک عالم سیاسی برجسته، صرفا در مهارت و دقت در جمع آوری مواد خام نیست، که البته این خود استوانه مهمی در فهم است، بلکه در فرآیند مفهومی و نظری است که عالم برجسته به سوی یک ساختار عمیق تر عملی سوق می یابد (سریع القلم، ۱۳۸۰: ۹).

هرچند روابط و مناسبات ایران و روسیه در طول تاریخ فراز و فرودهای بسیاری را تجربه کرده است، اما به اذعان تحلیلگران و کارشناسان مسائل بین المللی، هیچگاه به گرمی روابط کنونی نبوده است. البته روابط بین روسیه و ایران تنها یک رابطه دو جانبه نیست، بلکه ابعاد و آثار ژئواستراتژیکی دارد که در سایه متغیرات در دو صحنه بین المللی و منطقه ای محل اهتمام تحلیلگران است. معمولا منظور از رابطه استراتژیک از طرف ایران بر کشوری اطلاق شده و می شود که قدرت برطرف کردن نیازهای مورد نظر کشور را در شرایط و مقطع خاص دارا باشد و همواره تلاش می گردیده که طرف مقابل نیز این تعریف بر روابط را تایید نماید. روسیه کشوری است که توانسته تا حدود زیادی قدرت نظامی و اقتصادی خود را باز یابد و دست آمریکا و غرب را از مقدرات کشورش را کوتاه کند، چراکه عامل تمام رفتاری های مردم کشورش در دوران جنگ سرد و پس از فروپاشی راه، آمریکا و غرب می داند. امروزه روسیه در برابر یکجانبه گرایی آمریکا قد برافراشته و به عنوان یکی از قدرت های بزرگ هسته ای، عضو دائم و دارای حق وتو در شورای امنیت و نیز اقتصادی در حال رشد، خواهان همگرایی هرچه بیشتر با کشورهای مستقل جهان، از جمله ایران و چین است.

حال سؤال این است که چرا ایران و روسیه به رغم آنکه خاطرات تاریخی چندان خوشایندی از یکدیگر ندارند در دوره پس از فروپاشی شوروی سابق روابط متعادل و نزدیکی را با یکدیگر برقرار کرده اند؟ چرا روسیه به رغم نزدیکی بیشتر جغرافیایی با ایران به اندازه کشورهای غربی و آمریکا نگران هسته ای شدن ایران نیست؟ چرا کوشش چندین ساله رهبران آمریکا برای متقاعد کردن فدراسیون روسیه به قطع همکاری های خود با ایران تاکنون به نتیجه نرسیده است؟ از نظر تحلیل های مبتنی بر رهیافت واقع گرایی اغلب این پرسش ها یک پاسخ ساده و در عین حال تعیین کننده دارند، ضرورت ایجاد موازنه در برابر قدرت و یا تهدید آمریکا.

علت انتخاب چارچوب نظری موازنه قوای نرم در این مقاله، اقدام موازنه گرای روسیه و ایران در برابر اقدامات ایالات متحده آمریکا می باشد که در این خصوص حضرت آیت الله خامنه‌ای برای مقابله با تحریم های یک جانبه ایالات متحده آمریکا همکاری های مشترک دو کشور را مفید و سازنده خواندند و فرمودند: بدون توجه به تبلیغات منفی دشمنان برای تضعیف روابط کشورها، می توانیم تحریم های آمریکایی ها را با روش هایی از جمله حذف دلار و جایگزین کردن پول ملی در معاملات اقتصادی دو یا چندجانبه، بی اثر و آمریکا را منزوی کنیم (بیانات حضرت آیت... العظمی خامنه‌ای در دیدار با رئیس جمهوری روسیه ۱۳۹۶/۸/۱۰).

هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال اساسی است سیاست موازنه گرای ایران و روسیه در قبال ایالات متحده آمریکا از دیدگاه کنت والتز چیست؟ این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و با الهام گرفتن از نظریه موازنه گرای کنت والتز در تحلیل روابط ایران و روسیه استفاده شده است. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که روسیه با تاکید بر منافع مشترک خود با ایران به توسعه الگوهای مشارکتی در تنظیم روابط دوجانبه خود در سطح همکاری های مختلف نظامی، سیاسی و اقتصادی پرداخته و الگوی رفتاری موازنه گرای را بهترین رویکرد در قبال این متحد تاکتیکی خود برگزیده است.

پیشینه پژوهش

در خصوص سیاست موازنه گرای ایران و روسیه در قبال آمریکا از جهت نظری و تحقیقاتی، پیشینه ای اندکی وجود دارد؛ به ویژه از دیدگاه کنت والتز که معدودی مقاله، همه داشته های ما در این حوزه را شامل می شود. در خصوص سیاست موازنه گرای ایران و روسیه در قبال آمریکا پژوهش های صورت گرفته است که در جدول زیر به برخی از آنها که در برخی جنبه ها به این پژوهش نزدیک تر بودند اشاره شده است:

نویسندگان - روش استفاده شده	اهداف و یا سئوالات اصلی	مهمترین یافته ها
اسعدی-منوری ۱۴۰۰	بررسی روابط ایران و روسیه در قرن جدید: اتحاد استراتژیک یا	روابط دو کشور، ویژگی های اتحاد استراتژیک را نداشته و صرفاً واکنشی

<p>به شرایط بین‌المللی در موضوعات خاص است. درحقیقت این همکاری باید نوعی همسویی منافع در نظر گرفته شود، چرا که محدود و موقتی است و در زمینه‌های خاصی جهت همکاری در برابر تهدیدی غیر دولتی وجود دارد.</p>	<p>همگرایی منافع</p>	<p>توصیفی تحلیلی</p>
<p>دیپلماسی گیراندازی ایالات متحده در پرونده هسته‌ای و توان بالقوه ایران در حوزه‌های اقتصادی و انرژی، جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی در موازنه‌سازی نرم روسیه در قبال ایالات متحده ایفا می‌نماید.</p>	<p>جایگاه جمهوری اسلامی ایران در موازنه سازی نرم روسیه در قبال آمریکا</p>	<p>علیپور- سیفی ۱۳۹۹ توصیفی تحلیلی</p>
<p>روسیه با نگاه ابزاری و منفعت محور در سیاست خارجی اش نسبت به ایران سیاست عمل گرایی مبتنی بر فرصت طلبی راهبردی موضع خاکستری در قبال پرونده هسته ای است.</p>	<p>بررسی مواضع روسیه در قبال سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از سال ۸۴ تا ۹۴ با تأکید بر پرونده هسته ای ایران</p>	<p>هاشم پور- پیروز ۱۳۹۵ توصیفی - تحلیلی و شیوه تحقیق کتابخانه ای</p>
<p>در یک بخش به فرصت‌ها و در بخش دیگر به چالش‌ها و در نهایت با نگاه آینده‌پژوهانه به سازوکارهای عملی روابط دو کشور پرداخته می‌شود.</p>	<p>روابط ایران و روسیه: فرصت‌ها، چالش‌ها و سازوکارهای بسط روابط</p>	<p>اصولی-رسولی ۱۳۹۲ روش تبیینی</p>
<p>بررسی اجمالی روابط ایران و روسیه بعد از انقلاب اسلامی، به مطالعه و تحلیل مقایسه ای روابط دو کشور در دوران ریاست جمهوری آقایان خاتمی و احمدی‌نژاد می پردازد.</p>	<p>مقایسه تحلیلی روابط ایران و روسیه در دوران آقایان خاتمی و احمدی نژاد</p>	<p>بالازاده-غیبی ۱۳۹۰ توصیفی تحلیلی</p>

چارچوب نظری:

نظریه موازنه قدرت دارای آنچنان صلابت بنیادی است که نمی توان فرضیات آن را کاملاً مردود شمرد. هنوز هم این نظریه پنجره هایی از واقعیت را به روی پژوهشگران می گشاید (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۲۴۷). واقع گرایی یکی از قدیمی ترین نگرش ها در عرصه توضیح و تبیین مسائل بین المللی می باشد. مهمترین ویژگی روش شناسی واقع گرایان در مفروضاتی نهفته است که عبارتند از: دولت را می توان به عنوان یک بازیگر یا کنشگر در نظر گرفت، دولت همچون فرد از هدف و جهتی برخوردار است و در دولت کنش عقلانی وجود دارد زیرا امنیت هدف اصلی سیاست خارجی تلقی می شود از دیدگاه واقع گرایانی چون کنت والتز، دولت ها تنها بازیگران در عرصه جهانی هستند که در پی منافع ملی اند، از این رو امنیت ملی با قدرت این بازیگران ارتباط مستقیم دارد (دویچ، ۱۳۷۵: ۲۴۱). والتز می گوید به طور رسمی هر دولتی با سایر دولت ها برابر است، هیچ کس حق امر و نهی به آن را ندارد و مجبور به اطاعت از هیچ کس نیست. استقلال نه تنها یک حق است بلکه هنجاری است که مورد پذیرش واقع شده است و بنابر این هنجاری برای برابری حاکمیت دولت ها است چرا که گفتن اینکه دولت ها از لحاظ قانونی یا رسمی با دیگر دولت ها برابر هستند نه تنها به لحاظ تجربی پذیرفته شده است بلکه از نظر هنجاری نیز مورد پذیرش واقع شده است (جکسون و سورسون، ۱۳۹۰: ۱۱۶). واقع گرایان از سیاست جهان تصویر نسبتاً تیره ای ترسیم می نمایند. از نظر آنها نظام بین الملل میدان مبارزه است که در آن کشورها به صورت بی رحمانه ای به دنبال فرصت های می باتشند تا بتوانند از یکدیگر بهره برده و امتیاز بگیرند که اعتماد جای در این عرصه ندارد (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۶۲). واقع گرایان معتقدند چنانچه دولتی نتواند امنیت خود را حفظ کند قادر بر انجام هیچ کاری نخواهد بود تحت این شرایط نیروی نظامی کارآمد برای حمایت دیپلماسی، سیاست خارجی و در نهایت تامین امنیت ضروری است در مقایسه با توانایی نظامی، توانایی اقتصادی نقش کمتری را در امنیت ملی ایفا می کند (قوام، ۱۳۸۴: ۳۵۷).

به اعتقاد والتز، با سقوط اتحاد جماهیر شوروی، نظام سیاسی بین المللی در وضعیت تک قطبی قرار گرفت و آمریکا با فاصله قابل توجهی نسبت به سایر قدرت های بزرگ به عنوان تنها قدرت برتر جهانی مورد شناسایی سایرین واقع شد. با این حال از نظر والتز این مسئله به

این معنا نبود که چنین وضعیتی قابلیت تداوم زیادی داشته باشد. به گفته والتز در چهارچوب یک نظریه ساختاری، وضعیت تک قطبی از کمترین ماندگاری در شکل بندی بین المللی برخوردار است (شوری، ۱۳۸۸: ۲۲۶). بر مبنای چنین تصویری والتز معتقد است به لحاظ نظری باید در انتظار شکل گیری توازن مجدد در نظام بین المللی بود. از نظر والتز، شکل گیری وضعیت چند قطبی نه تنها رقابت میان قدرت های بزرگ را کاهش نمی دهد بلکه موجب تشدید آن نیز خواهد شد. در یک جهان با بیش از دو قطب دولتها برای حفظ امنیت خود هم بر تلاش های داخلی و هم بر تشکیل اتحادیه هایی که می توانند با دیگران ایجاد کنند تکیه خواهند کرد (همان، ۲۲۶). کاندیداهای تبدیل شدن به قدرت های بزرگ آینده و بالطبع، شکل گیری مجدد توازن از نظر والتز عبارتند از: ائتلافی تحت رهبری اتحادیه اروپا یا آلمان، چین، ژاپن و با یک فاصله بیشتر روسیه (Waltz, 2000:30).

از تحلیلی که والتز در خصوص رابطه میان چین و روسیه ارائه می کند می توان این گونه تحلیل کرد که وی روابط میان ایران و روسیه را در یک مقیاس پایین تر در همین چارچوب بررسی می کند از نظر والتز نوع برخورد آمریکا با روسیه و چین و یکجانبه گرایی این کشور در دوره پس از فروپاشی شوروری سابق، این دو کشور را با تمامی اختلافات تاریخی و مشکلات مرزی شان به سمت همکاری با یکدیگر سوق داده است.

کنت والتز در تحلیلی که از فرایند شکل گیری موازه قدرت جدید در دوره پس از جنگ سرد ارائه می کند، عمدتاً مفهوم سنتی موازنه یا موازنه سخت را مدنظر قرار می دهد که به گفته استفان والت ایجاد ائتلافی همسنگ و به حد کافی قدرتمند برای کنترل قدرت مسلط را جستجو می کند. گسترش ناتو به شرق، خروج یکجانبه از پیمان موشک های ضد بالستیک، استقرار سپر دفاع موشکی در کشورهای اروپای شرقی و ایجاد پایگاه های نظامی جدید در خاور میانه و حتی برخی از کشورهای آسیای مرکزی تنها بخشی از اقداماتی هستند که توسط آمریکا در دوره پس از جنگ سرد دنبال شده است. در مقابل چنین اقداماتی روسیه و چین، حتی در چهارچوب سازمان همکاری شاننگهای، احتیاط زیادی به خرج می دهند تا این سازمان به عنوان یک سازمان امنیتی-نظامی و به عنوان وزنه مقابل ناتو مطرح و شناخته نشود. (شوری، ۱۳۸۸: ۲۲۸)

پیشینه روابط ایران و روسیه

در تاریخ طولانی روابط بین دو ملت و دو کشور، دوره های روشن و تاریکی وجود داشته است. تاریخ این دو کشور دارای فراز و نشیب هایی از جمله حوادث تلخ جنگ های ایران و روسیه در قرن نوزدهم می باشد. جنگ هایی که در نتیجه آن بخش های مهمی از سرزمین ایران در منطقه قفقاز به اشغال روس ها درآمد. گاهی اوقات این رویدادهای تاریخی، چه در روسیه و چه در ایران با تفسیرهای متفاوتی روبرو گردیده، که نه تنها باعث تضعیف اعتماد، بلکه اثر منفی نیز در روابط دو جانبه داشته است. آغاز روابط ایران و روسیه به صورت رسمی به سال ۱۵۲۱ میلادی در دوران صفویان بازمی گردد. جنگ های ایران و روسیه در دوره قاجار (۱۸۱۳-۱۸۰۴ و ۱۸۲۸-۱۸۲۶) باعث شکست و از دست رفتگی قطعی سرزمین هایی گسترده از ایران شد؛ ارتش ایران در این جنگ ها مجبور شد که با سلاح های برتر و ترفندهای نظامی که هنوز آنان را فرا نگرفته بود، نبرد کند. عهدنامه های ترکمانچای و گلستان میان ایران و روسیه مورد پذیرش قرار گرفت و ایران، سرزمین هایی همانند قفقاز جنوبی، داغستان و به شکل کلی، سرزمین های گرجی و ارمنی خود را از دست داد. در دوره پهلوی اول، پس از کودتای سوم اسفند وابستگی سنتی شمال ایران به بازارهای شوروی افزایش یافته بود. هنگامی که رضاشاه به تخت سلطنت نشست، صادرات ایران به روسیه تقریباً ده برابر شده و واردات از آن کشور نیز چهار برابر شده بود. رضا شاه می دانست که وابستگی به بازارهای روسیه را یک شبه نمی توان پایان داد. بنابراین از یک سو کوشید با انعقاد موافقتنامه های کوتاه مدت، نظم و ترتیبی در امور بازرگانی دو کشور بدهد و از سوی دیگر شرایط داخلی را برای کاهش وابستگی اقتصادی به روسیه فراهم سازد. ولی هنوز مسئله بازرگانی بین دو کشور و ترانزیت کالاهای ایرانی از خاک شوروی و نیز مسئله شیلات بحر خزر منحل نشده بود.

شکل بندی روابط ایران و شوروی سابق در سال های پایانی حکومت محمدرضاشاه بر اساس تعاد، ثبات، همکاری و رقابت ژئوپلیتیکی شکل گرفته بود (سجادپور، ۱۳۷۴: ۲۹). هرچند روابط و مناسبات ایران و روسیه در طول تاریخ فراز و فرودهای بسیاری را تجربه کرده است، اما به ادعان تحلیلگران و کارشناسان مسائل بین المللی، هیچگاه به گرمی روابط کنونی نبوده است. علاوه بر منافع مشترک در روابط دو جانبه و منطقه ای؛ در سال های اخیر وجود منافع مشترک در عرصه بین المللی و بویژه در زمینه رویارویی با امپریالیسم آمریکا باعث حرکت دو کشور

به سمت همکاری راهبردی شده است.

پس از فروپاشی شوروی سابق، موقعیت ایران و روسیه دچار تغییر و تحولات اساسی شد و ایران خود را با وضعیت بسیار پیچیده ای مواجه دید که ناشی از ایجاد جمهوری های مستقل جدید، تغییرات مرزها و افزایش تعداد بازیگران در منطقه و نیز تلاش قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای برای حضور و نفوذ در کشورهای منطقه است (امیراحمدیان و گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۷۲-۱۷۱). به نظر می رسد روابط دو کشور بر اساس رویکرد مشترک آنها به سیاست بین الملل پی ریزی شده است. دو کشور خواستار ایجاد و حفظ یک نظم جهانی چندقطبی هستند (اسعدی و منوری، ۱۴۰۰: ۱۸۹).

روابط ایران و روسیه برخلاف دوران حاکمیت تزارها و کمونیست ها، همواره در مسیر تحکیم و تقویت حرکت کرده و به ویژه در سال های اخیر به شراکتی راهبردی نزدیک شده است. در همکاری های ایران و روسیه عوامل بسیاری دخالت دارند. علاوه بر وضعیت سیاسی، عوامل دیگری از قبیل ثروت های طبیعی عظیم موجود در دو کشور به ویژه نفت و گاز، نیروی انسانی، توانایی های نظامی، تاثیرات منطقه ای و عوامل بین المللی باعث شده تا روابط مسکو و تهران اهمیت ویژه ای به خود بگیرد. فدراسیون روسیه با جمعیت ۱۴۶ میلیون نفری و واردات ۲۳۱ میلیارد دلاری در سال ۲۰۲۰، به یکی از جذاب ترین بازارهای رو به رشد مصرفی در دنیا تبدیل شده است که بخش قابل توجهی از این بازار می تواند توسط کالا و اجناس ایرانی تصاحب شود (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۰/۱۰/۲۵).

الگوی رفتار موازنه قوای ایران و روسیه در قبال آمریکا

واقع گرایان با تاکید بر مفاهیمی مانند امنیت و قدرت، همکاری های استراتژیک میان ایران و روسیه را ناشی از احساس تهدید مشترک دو کشور از سوی آمریکا و یا ناشی از تمایل آنها به برقراری موازنه قدرت با این کشور تفسیر می کنند. هر دو کشور ایران و فدراسیون روسیه در پی آن هستند که در برابر یک جانبه گرایی و یا تهدیدات آمریکا سطحی از موازنه قدرت را ایجاد کنند و از طریق مشارکت های استراتژیک در برابر نفوذ بی محابای این کشور در آسیای مرکزی و قفقاز مقاومت کنند. موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک و همچنین نوع رابط غیر دوستانه ایران با آمریکا که بعد از خروج ترامپ از برجام و ترور سردار

سپهد حاج قاسم سلیمانی ابعاد جدیدی یافته است ایران را به گزینه جدی برای روس ها برای موازنه سازی نرم با ایالات متحده آمریکا تبدیل کرده است. در این باره جمهوری اسلامی ایران دارای جایگاه قابل توجهی است (علیپور گرجی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷).

آخرین مورد از تلاش های غرب برای افزایش نفوذ در فضای پس از شوروی سابق بحران اوکراین و متعاقب آن انضمام شبه جزیره کریمه از سوی روسیه بود. این بحران وجه اختلاف آمیز روابط روسیه و غرب را برجسته کرده و منجر به این گردید که موضوع جنگ سرد جدید در روابط دو طرف مطرح گردد (نیاکویی و صفری، ۱۳۹۷: ۱۰۱).

استفان والت علاقه مندی روسیه به همکاری با ایران در کنار کوشش های دیگری همچون همکاری های استراتژیک روسیه و چین، بخشی از تلاش های هر سه کشور برای ایجاد موازنه نرم در برابر قدرت فراگیر آمریکا دانسته است. به گفته والت روسیه و ایران به آرامی مشارکت استراتژیک خود را از سال ۲۰۰۰ توسعه داده اند که حداقل بخشی از آن در پاسخ به رخنه و نفوذ در حال گسترش آمریکا در منطقه بوده است. والت تاکید می کند روسیه و ایران تلاش مشترکی را برای محدود کردن نفوذ ایالات متحده آمریکا و متحدانش (ترکیه و اسرائیل) آغاز کرده اند. همکاری های ایران و روسیه پاسخی استراتژیک به تلاش های آمریکا برای توسعه نفوذ خود در منطقه از طریق همکاری با ترکیه، گرجستان، آذربایجان و ازبکستان است (Walt, 2004: 14).

هر دو کشور ایران و روسیه تحت تحریم های آمریکا قرار دارند و علاقمند به همکاری اقتصادی برای کم اثر کردن این سیاست امپریالیستی آمریکا هستند. ایران و روسیه به عنوان دو اقتصاد کلان اوراسیا، ظرفیت های بزرگی برای همکاری های اقتصادی دارند. در صورت گسترش همکاری های اقتصادی دو کشور قادرند در حوزه های علمی و تکنولوژیکی، صنعتی، ماشین آلات سنگین، نیروگاه سازی، مدرن سازی سیستم راه آهن و ساخت واگن های پیشرفته و نیز در مباحث انرژی و اکتشاف منابع زیرزمینی همچون معادن همکاری کنند. در شرایط تحریم ایران و روسیه از سوی کشورهای غربی، همکاری های دو کشور اهمیت چندبرابری می یابد و باید در عرصه های مختلف هم افزایی شود.

سیاست موازنه گرای روسیه نسبت به اسرائیل

راهبرد دنباله روی روسیه از اواسط دهه ۹۰ میلادی به سمت موازنه نرم تغییر جهت داد (هنسن و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۷). روسیه وارث اصلی شوروری است که نخستین کشوری بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت و اسرائیل به دلایل متعددی برای روابطش با روسیه اهمیتی فوق راهبردی قائل است. اسرائیل به دلایل متعددی برای روابطش با روسیه اهمیتی فوق راهبردی قائل است. تحولات نرم مستمر در موازنه قدرت در سطح جهان معطوف به تنزل جایگاه ابرقدرتی بلا منازع آمریکا، تشتت در بلوک اروپا، برآمدن چین و تا حدودی هند و گسترش نفوذ روسیه در خاورمیانه، جملگی تصمیم‌سازان اسرائیل را که همواره متکی به حمایت‌های غربی بوده، به صرافت تقویت روابط با این قدرت‌های نوظهور انداخته و در دو دهه اخیر روابط تل آویو با مسکو توسعه قابل توجهی یافته است. گسترش رابطه با روسیه محصول یک مجموعه عوامل تاریخی، سیاسی و ژئوپلیتیکی است؛ از جمله نفوذ لابی یهودی در ساختار سیاست، اقتصاد و رسانه در فدراسیون روسیه به عنوان موتور محرکه تقویت هر چه بیشتر این روابط با اسرائیل و همچنین الزامات دو سویه حضور نزدیک به دو میلیون یهودی روسی تبار در اسرائیل. امروز حدود صد و پنجاه هزار یهودی در فدراسیون روسیه بعد از یهودیان ایالات متحده آمریکا، ثروتمندترین یهودیان جهان محسوب می‌شوند و حضور فعالی در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ای و کمپانی‌های نفت و گاز دارند.

در آن سو نیز، کرملین هم به وجود اسرائیل و تعارضات و تنش‌های منطقه به عنوان یک فرصت چه در جهت گسترش نفوذ خود چه در جهت جلوگیری از شکل‌گیری یک بلوک عربی یا اسلامی در حوزه امنیتی پیرامونی خود می‌نگرد. به هر حال، در حال حاضر مهم‌ترین انگیزه اسرائیل از تقویت روابط و همکاری‌ها با روسیه مساله تقابل با ایران در خاورمیانه است. در مقابل، روسیه نیز در کنار دیگر پارامترهای موثر، در شرایط کنونی به این روابط به عنوان پلی برای مهار تنش با آمریکا و بهبود روابط با آن می‌نگرد. مخلص کلام این که روابط روسیه با اسرائیل قابل مقایسه با دیگر مناسبات خارجی مسکو نیست و در سطح یک اتحاد اعلام نشده است؛ تا جایی که روسیه خود را متعهد به تضمین امنیت اسرائیل می‌داند.

علت انتخاب چارچوب نظری موازنه قوای نرم در این مقاله، اقدام موازنه گرای روسیه میان ایران و اسرائیل در چارچوب منافع خود در خاورمیانه می‌باشد. روسیه اگر چه روابط

ویژه ای با اسرائیل پس از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون داشته است و در این راستا کمک های نظامی و سیاسی و اقتصادی متعددی به این رژیم نموده است لیکن مسکو تلاش نموده است تا این اقدامات منجر به تضعیف و یا انزوای هر چه بیشتر ایران نگردد. لذا روسیه از طریق میانجیگری میان ایران و غرب، در مقاطع مختلف، چه در دوران جنگ هشت ساله ایران و عراق و چه در قالب گفتگوهای ایران و اروپا و چه حضور فعال در مذاکرات اتمی ۱+۵ همواره تلاش کرده است تا مانع از انزوای سیاسی و اقتصادی ایران شود.

عوامل تقویت کننده و تضعیف کننده روابط ایران و روسیه

الف. عوامل تقویت کننده:

از مهمترین عوامل نزدیکی در روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه می توان به وجود اراده سیاسی در رهبران دو کشور، همکاری های دو کشور در زمینه های انرژی، حمل و نقل و تجارت، انرژی صلح آمیز هسته ای، دریای خزر، خاورمیانه، روابط منطقه ای و بین المللی و جلوگیری از نفوذ قدرت های فرامنطقه ای اشاره کرد.

وجود اراده سیاسی در رهبران دو کشور

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای در خصوص مسائل منطقه ای و روابط دوجانبه ایران و فدراسیون روسیه بر تحکیم روابط با تاکید بر استفاده از تجربیات سال های اخیر بیان داشتند که ظرفیت های اقتصادی و تجاری بسیار فراتر از سطح کنونی باشد و اشاره داشتند که در زمینه حمل و نقل، استفاده از محور مهم بندر چابهار تا بندر سن پترزبورگ روسیه می تواند زمینه همکاری های گسترده تری برای دو کشور داشته باشد.

انرژی

انرژی در حیات اقتصاد صنعتی جوامع، نقش زیربنائی را ایفا می کند، به این معنا که هرگاه انرژی به مقدار کافی و به موقع در دسترس باشد توسعه اقتصادی نیز میسر خواهد بود. نگاهی به معضلات گذشته نشان می دهد که همواره رقابت های بزرگی در سطح جهانی بر سر تصاحب انرژی وجود داشته است چرا که امنیت ملی و پایداری نظام های حکومتی تا حد زیادی در گرو دسترسی به این منابع است. انرژی (نفت و گاز) یکی از مباحث مهم و سر نوشت ساز در بحث امنیت و منافع ملی ایران و روسیه است. ایران و روسیه ذخایر عظیمی از

نفت و گاز دارند، از بزرگترین منابع این دو انرژی محسوب می شوند و برای تقویت همکاری های خود در این زمینه تلاش می کنند. روسیه و ایران به همراه یکدیگر نزدیک به نیمی از ذخایر گاز طبیعی ثابت شده جهان را در اختیار دارند (جعفری و تقی نژاد، ۱۳۹۱: ۷۰). دخالت های آمریکا و دولت های غربی در بازارهای انرژی جهانی طی سالهای گذشته، تهران و مسکو را بر آن داشته است که همکاری مطمئن تری را برای تنظیم قیمتها داشته باشند، به نحوی که منافع آنها حفظ شود.

حمل و نقل و تجارت

یکی از راهکارهایی که بر اساس آن دولت های خواهان ایجاد موازنه نرم از آن بهره می گیرند، تقویت قدرت و روابط تجاری است. در این راه ایجاد بلوک های اقتصادی بدون حضور قدرت هژمون و بالا بردن رشد اقتصادی و تجاری می تواند سودمند باشد. مشخص ترین شیوه انجام این امر از طریق بلوک های تجاری منطقه ای است که به رشد اقتصادی و تجاری اعضا در عین محرومیت غیر اعضا می انجامد. چنانچه قدرت برتر از دایره این بلوک های تجاری منطقه ای حذف شود، نرخ رشد و تجارت نیز در طول زمان کاهش خواهد یافت (متقی، ۱۳۸۷: ۳۲). هر دو دولت در پی تکمیل طرح حمل و نقل بین المللی تحت عنوان گذرگاه شمال-جنوب هستند، که اقیانوس هند و منطقه خلیج فارس را به دریای خزر مرتبط می کند، از ایران می گذرد، به فدراسیون روسیه می رسد و از آنجا به شمال اروپا راه می یابد و ایران اهمیت استراتژیک زیادی به این طرح می دهد؛ چرا که علاوه بر عایدات اقتصادی آن، این کشور را قادر به حضور در حلقه وصلی بین آسیا و اروپا می کند.

همکاری در زمینه انرژی هسته ای

مقوله انرژی از مهمترین عوامل اساسی در توسعه اقتصادی و صنعتی و به طور کلی توسعه پایدار در هر کشور می باشد. انرژی می تواند از منابع مختلف به دست آید که یکی از آنها انرژی ناشی از فعل و انفعالات هسته ای است که به آن انرژی هسته ای می گویند. جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه همکاری های هسته ای خود را از اوایل دهه ۹۰ میلادی آغاز کرده اند. البته این روابط همیشه به یک ثبات نبوده و گاه تحت تاثیر شرایط بین المللی دچار شدت و ضعف هایی شده است، اما در حال حاضر با توجه به بهبود روابط در سال های اخیر و اتفاقات سیاسی-نظامی منطقه به نظر می رسد که اراده دو طرف بر همکاری

جدی باشد. ساخت نیروگاه های هسته ای همراه با اصلاح روش های مصرف انرژی می تواند ایران را تبدیل به بزرگترین صادرکننده برق در منطقه غرب آسیا کند و مزیت اقتصادی بالایی را برای صنایع بومی به وجود آورد. جمهوری اسلامی ایران از کشورهای پیشروی منطقه در زمینه هسته ای است. ایران با داشتن منابع و معادن غنی اورانیوم و همچنین چرخه کامل و دانش بومی بالا در زمینه هسته ای پتانسیل بیشتری برای بهره برداری از انرژی هسته ای (چه به صورت نیروگاه و چه به صورت آب شیرین کن) نسبت به رقبای خود (به خصوص امارات متحده عربی و ترکیه) در منطقه دارد. در حال حاضر تنها نیروگاه هسته ای فعال کشور نیروگاه اتمی بوشهر که با مشارکت جدی روس ها در سال های بعد از انقلاب ساخته شده است. البته از جهت گیری مقامات روسیه کاملاً مشخص است که مسکو خواهان حل و فصل مسئله هسته ای ایران از طریق گفتگو و شیوه های مسالمت آمیز است. در این بین اگر چه روسیه به هیچ وجه نمی خواهد ایران به تسلیحات هسته ای دست پیدا کند، اما چنانچه این امر اتفاق بیافتد، مسکو ترجیح می دهد به جای آنکه به دشمنی با تهران بپردازد، در جایگاه دوستی با آن قرار گیرد. (Oliker, 2009: 114).

دریای خزر

دریای خزر اگرچه دریای بسته به حساب می آید، ولی شبکه راه های آبی آن از طریق رودها و کانال های آبی واقع در روسیه، با دریای آزوف، سیاه، دریای سفید و دریای بالتیک ارتباط دارد. (امیر احمدیان و گودرزی، ۱۳۸۹: ۳۵) حوزه دریای خزر به عنوان سومین حوزه نفتی جهان، پس از سیبری و خلیج فارس به شمار می رود که مهمترین منابع کشف شده آن در نزدیکی سواحل آذربایجان و قزاقستان قرار گرفته است (کولایی، ۱۳۷۶: ۱۳۷).

یکی از حوزه هایی که سیاست و عملکرد روسیه در آن می تواند بر امنیت ملی ایران تاثیرگذار باشد دریای خزر می باشد. دریای خزر، بزرگترین دریاچه جهان که در گذشته نه چندان دور در قلمرو حاکمیت دولت مرکزی ایران قرار داشت پهنه گستره آبهای داخلی ایران به شمار می رفت (امیراحمدیان و گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۷۱). امروزه دریای خزر و بحث انرژی آن که شامل انتقال خطوط لوله نفت و گاز نیز می باشد دارای اهمیت سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای هر دو کشور است. ایران و فدراسیون روسیه در برابر چالش نفوذ و حضور نظامی آمریکایی و غربی در منطقه قرار دارند که هدف از آن در درجه اول مهار روسیه است. امروز

ناتو در حال بررسی مساله محاصره روسیه در شرق است و در همین جهت به دنبال تقویت روابط خود با ایران و نزدیکی به دریای خزر است. علاوه بر ذخایر نفت و گاز، دریای خزر از لحاظ شیلات و گردشگری نیز دارای اهمیت می باشد. دریای خزر با دارا بودن ۸۵۰ نوع گونه جانوری و بیش از یانصد نوع گونه گیاهی، یک منبع بسیار غنی غذایی به شمار می آید به همین جهت نه تنها به عنوان یکی از منابع غنی شیلات، بلکه یکی از مهمترین مراکز تولید خاویار جهان می باشد (همان، ۷۳).

خاورمیانه

خاورمیانه به عنوان خاستگاه چند تمدن از قدیمی ترین تمدن های جهان و زادگاه سه دین بزرگ، نقش و نگاری غنی از زندگی انسان و سنن ریشه دار عرضه می کند (کامروا، ۱۳۸۸: ۲۷). علاوه بر جایگاه جغرافیایی مهم خاورمیانه، وجود گسترده شاهره های بین المللی در این منطقه موجب طمع بیش از پیش قدرت های بین المللی جهت نفوذ در آن شده است. منطقه خاورمیانه یکی از مناطق حساس و استراتژیک جهان محسوب می شود، این منطقه علاوه بر مهد تمدن ادیان، بخش اعظم منابع انرژی جهان را در خود جای داده است. خاورمیانه عمده ترین منطقه نفت خیز جهان که ۶۶ درصد از ذخایر جهانی را در اختیار داشته و عمده ترین منابع گازی جهان پس از روسیه در این منطقه جای دارد. روسیه به عنوان یکی از بازیگران کلیدی صحنه خاورمیانه به خصوص در زمینه حل و فصل مناقشات و چالش های این منطقه مطرح باشد (اطهری و بهمن، ۱۳۹۰: ۳۴).

منطقه خاورمیانه که نقطه آغاز حرکت روسیه برای بازگشتن به جایگاه جهانی اش است، میدان مهمی برای همکاری بین دو طرف است. همانطور که هر دو در میدان سوریه برای دفاع از منافع خود وارد عمل شدند و این مساله فرصت تعمیق روابط را به روسیه و ایران داد. از نظر آیت الله خامنه ای تهران و مسکو باید برای منزوی کردن آمریکا و کمک به ثبات خاورمیانه همکاری های خود را افزایش دهند. در نتیجه تهران و مسکو سیاست های خود در خاورمیانه را به سمت انزوای ایالات متحده آمریکا هدایت کرده اند. حمایت همه جانبه تهران و مسکو از دولت بشار اسد در سوریه از سقوط دولت اسد جلوگیری کرد، در حالی که ایالات متحده آمریکا و متحدانش از جنگ در سوریه با هدف سرنگونی بشار اسد حمایت کردند.

روابط منطقه‌ای و بین‌المللی

می‌توان گفت موازنه در مقابل قدرت برتر تنها توسط یک دولت امکان پذیر نیست، بلکه باید توسط حداقل چندین قدرت درجه دو انجام شود، زیرا هیچ یک از دولت‌ها به تنهایی آنقدر توانایی ندارد که به موازنه با قدرت برتر بپردازد (شیرخانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۱). ایران، روسیه را عاملی برای توازن بخشیدن به موضع آمریکا می‌داند و روسیه تهران را قدرت منطقه‌ای صاحب نفوذی می‌داند که در مقابله با واشنگتن می‌تواند از آن استفاده کند. همکاری منطقه‌ای بین ایران و روسیه منحصر به خاورمیانه نمی‌شود، بلکه تا مناطق مهمتری در آسیای میانه، قفقاز و دریای خزر نیز گسترده است. این مناطق به شکل مستقیم بر امنیت ملی روسیه تاثیر می‌گذارد، که در پی آن است تا کمربند امنی را در اطراف خود ایجاد کند؛ همین نکته همکاری محکمی را از سوی ایران به حکم داشتن مرزهای مشترک با مناطق سه گانه مذکور، می‌طلبد. ایران و روسیه در کنار چین قصد دارند به نظام تک قطبی جهان پایان داده و جهانی با قطب‌های متعدد ایجاد کنند و فشارهایی که واشنگتن به تهران می‌آورد، به دور از سیاق مقابله آن با روسیه، و هدفش برای چند قطبی کردن جهان، نیست.

جلوگیری از نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای

جایگاه مهم روسیه در سیاست خارجی ایالات متحده بر کسی پوشیده نیست. روابط ایالات متحده با روسیه تابعی است از ملاحظات گسترده بین‌المللی که در تاریخ روابط خارجی این دو کشور ریشه دوانیده است. پس از پایان جنگ سرد، ماهیت روابط این دو بازیگر از سطح دو ابرقدرت هم‌تراز به معادله قدرت برتر و قدرت بزرگ تغییر کرده است؛ اما همچنان ایستارهای دوران جنگ سرد بر موضوعات و مفاهیم مورد نظر دوجانبه سایه افکنده است. واقعیت‌های موجود در توانایی‌های متفاوت دو طرف و رویکردهای تعاملی پساجنگ سرد، موجب استفاده از راهبردهای قدیمی تلفیقی و روش‌های نوین دیپلماسی در روابط میان آنها شده است. روس‌ها همواره با دقت تحرکات و سیاست‌های نظامی آمریکا را در منطقه دنبال کرده‌اند (Trenin, 2009: 3-4).

آمریکا پس از جنگ سرد سعی کرد تا ساختار سیاسی جهان را تحت عنوان نظام نوین جهانی پایه ریزی کند در این سناریو آمریکا جهان ژئوپلتیک را چنین تصور کرده است که در قرن ۲۱ منابع انرژی کمیاب، تاثیرگذارنده و تصمیم گیرنده هستند و کنترل بر انرژی کنترل بر

نظام جهانی خواهد بود. در همین راستا ایالات متحده آماده است تا دو منطقه از جهان را جدا کند و اعلام کرد که این دو منطقه، تامین کننده اصلی انرژی مورد نیاز قرن ۲۱ خواهند بود و کنترل بر این دو منطقه کنترل بر جهان می باشد. این دو منطقه عبارتند از: خلیج فارس و دریای خزر (مجتهد زاده، ۱۳۸۲: ۴).

ب. عوامل تضعیف کننده:

باید بر این نکته تاکید کرد که موانعی در این راه وجود دارد که در رأس آنها اول بی اعتمادی تهران به سیاست های گذشته فدراسیون روسیه برمی گردد، به ویژه آنکه در حافظه ایران ثبت شده است که روسیه هم پیمانانش را در لحظات حساس تنها می گذارد و این به نوعی اثری منفی در ناخودآگاه ایرانی ها نسبت به روسیه داشته است.

مانع دوم، سیاست توازنی است که روسیه در روابطش در خاورمیانه از آن پیروی می کند، که گهگاه به نفع ایران نیست. روسیه تلاش می کند برای جلوگیری از تاثیرگذاری فراوان یک دولت در منطقه و قدرت گرفتن آن، با دولتهای مختلف ارتباط داشته باشد.

سوم، منافعی که بین دو کشور را در میدان های منطقه ای جمع می کند، انگیزه های مختلفی دارد، این مساله می تواند تهدیدی در آینده روابط آنها داشته باش، برای مثال، روسیه و ایران هر دو از نظام سوریه به عنوان منفعت مشترک خود حمایت می کنند، اما انگیزه های متفاوتی از این حمایت دارند.

چهارم، بحث رژیم حقوقی دریای خزر مسئله مهم و سرنوشت ساز و تاریخی برای جمهوری اسلامی ایران است و تاثیر زیادی بر امنیت و منافع ملی ایران دارد. این که چه سهمی از خزر به ایران تعلق بگیرد تاثیرات متفاوتی بر امنیت ملی ایران خواهد داشت. اختلافات قدیمی بین دو طرف وجود دارد که برخی به نظام حقوقی دریای خزر باز می گردد، چرا که روسیه ایران را از توافقی های دو جانبه با دولتهای مشرف به این دریا استثنا کرده است. رژیم حقوقی دریای خزر از جمله مواردی بوده است که به وضوح نشان داد که روس ها به راحتی می توانند تغییر موضع داده و تعهدات خود را زیر پا بگذارند.

پیشنهادات برای تسهیل و گسترش روابط

به اعتقاد کارشناسان ظرفیت های بزرگی در عرصه های اقتصادی، علمی، دفاعی، فناوری

و پزشکی در ایران و روسیه وجود دارد که با اتکا به آن‌ها می‌توانند پیامدهای تحریم آمریکا را مهار کرد.

ایران و روسیه با همراهی کشورهای نظیر چین می‌توانند اتحادیه‌ای قدرتمند در مسیر چندجانبه‌گرایی جهانی شکل دهند و اهرم‌های آمریکا و غرب برای اعمال تحریم و فشار بر دیگر کشورها را از کار بیندازند. ظرفیت‌های بزرگی در عرصه‌های اقتصادی، علمی، دفاعی، فناوری و پزشکی در ایران و روسیه وجود دارد که با اتکا به آن‌ها می‌توانند پیامدهای تحریم آمریکا را تقریباً به صفر برسانند. اجماع جامعه سیاست خارجی ایران در مورد اهمیت روسیه برای تهران به عنوان یک شریک در نظم جهانی چند قطبی و حمایت مسکو از ادغام ایران در نهادهای چندجانبه اوراسیا مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای نشان می‌دهد که روابط روسیه و ایران پایدار خواهد ماند. تعمیق روابط اقتصادی ایران و فدراسیون روسیه حتماً راهی موثر برای خنثی سازی تحریم‌های یکجانبه آمریکا محسوب می‌شود از این رو آمریکایی‌ها برای جلوگیری از شکل گرفتن روابط اقتصادی محکم بین تهران و مسکو مانع تراشی و سنگ اندازی می‌کنند.

حوزه‌های متعددی وجود دارد که ایران و روسیه می‌توانند نقاط مشترکی پیدا کنند. برای مثال: هر دو کشور به ریاکاری ایالات متحده در موارد حقوق بشر، تروریسم و یکجانبه‌گرایی اعتراض می‌کنند. هر دو کشور با تحریم‌های ایالات متحده آمریکا دست و پنجه نرم می‌کنند و امیدوارند به سلطه دلار بر اقتصاد و تجارت جهانی خاتمه دهند و نفت را با ارزهایی غیر از دلار مبادله کنند. در جبهه اقتصادی، مجاورت جغرافیایی و ارتباطات ترانزیتی احتمالاً تجارت بین دو کشور را تقویت خواهد کرد. کریدور تجاری شمال-جنوب که از شهرهای تاریخی قفقاز و از خلیج فارس و هند می‌گذرد به نوعی احیا خواهد شد. برای تحقق یک مشارکت راهبردی، دو کشور به چارچوب قانونی، نظارتی و سازوکارهای عملی برای ایجاد یک همکاری پایدار نیاز دارند. اما در حال حاضر روابط دوجانبه مسکو-تهران فاقد چنین مشخصه‌ای است. علاوه بر این، یک مشارکت راهبردی مستلزم حمایت عمومی گسترده از هر دو طرف است.

تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران سطح تجارت بین دو کشور را محدود کرد. اما فرصت‌هایی هم برای دو کشور وجود داشت که یک بازی برد-برد بود. به نظر می‌رسد

دیدارهای متقابل متعددی میان رهبران دو کشور ترتیب داده شده است و همکاری در زمینه‌های مختلف در حال گسترش است.

نتیجه گیری

پس از پیروزی انقلاب ایران، روابط ایران با روسیه سه مرحله را طی کرده است؛ اول پیش از فروپاشی اتحاد شوروی سابق، دوم، دوره بوریس یلتسین و سوم، عصر ولادیمیر پوتین. با شروع عصر سوم، روابط وارد مسیری متفاوتی شده و به مرور، ایران جایگاه ممتازی را در سیاست خارجی روسیه به خود اختصاص داده است. یکی از نقاط مشترک سیاستگذاری ایران و فدراسیون روسیه این است که همچنان بر نظام چند قطبی در جهان تاکید دارند و مخالف یکجانبه گرایی در روابط بین الملل هستند. در شرایط تحریمی هم ایران و هم روسیه بر گسترش روابط تجاری و اقتصادی تاکید دارند.

با عنایت به مطالب گفته شده به نظر می رسد روسیه سه هدف را در برقراری روابط با جمهوری اسلامی ایران دنبال می کند اول نشان دادن یک سیاست خارجی مستقل، دوم ایجاد نظام چند قطبی، سوم تلاش برای حضور طولانی مدت در خلیج فارس. روسیه از طریق برقراری روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی نزدیک با ایران حضور طولانی مدت خود را در منطقه خلیج فارس تثبیت می کند. ایران نیز به روسیه به عنوان یک وزنه متقابل در برابر انزوای تحمیلی آمریکا که از سال ۱۹۷۹ بر آن تحمیل شده است، می نگرد. تعمیق روابط اقتصادی ایران و روسیه حتما راهی موثر جهت خنثی سازی تحریم های یکجانبه آمریکا محسوب می شود از این رو آمریکایی ها برای جلوگیری از شکل گرفتن روابط اقتصادی محکم بین تهران و مسکو مانع تراشی و سنگ اندازی می کنند.

در این بین بی تردید اولویت اصلی ایران، گسترش تجارت خارجی و همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی با کشورهای همسایه و منطقه و در قالب شرکای تجاری دوجانبه است. کشور روسیه که همسایه شمالی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود، یکی از اقتصادهای نوظهور دهه گذشته بوده که به اعتقاد کارشناسان ظرفیت مناسبی برای گسترش تعاملات تجاری در چارچوب یک تعامل برد-برد را داراست. به نظر می‌رسد بیان فرصت‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی - تجاری، واکاوی موانع و ارائه راه‌حل‌ها و پیشنهادات در راستای رفع موانع و گسترش همکاری‌ها میان دو کشور ایران و روسیه ضروری است تا سطح بالاتری از

همکاری‌های سیاسی - اقتصادی و همگرایی راهبردی در مناسبات دو کشور ایجاد شود. مهم‌ترین انگیزه اسرائیل از تقویت روابط و همکاری‌ها با روسیه مساله تقابل با ایران در خاورمیانه است. در مقابل، روسیه نیز در کنار دیگر پارامترهای موثر، در شرایط کنونی به این روابط به عنوان پلی برای مهار تنش با ایالات متحده آمریکا و بهبود روابط با آن می‌نگرد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که روسیه با تاکید بر منافع مشترک خود با ایران به توسعه الگوهای مشارکتی در تنظیم روابط دوجانبه خود در سطح همکاری‌های مختلف نظامی، سیاسی و اقتصادی پرداخته و الگوی رفتاری موازنه گرایی را بهترین رویکرد در قبال این متحد تاکتیکی خود برگزیده است.

کتابنامه

- اسعدی، بهروز و منوری، سیدعلی (۱۴۰۰)، «بررسی روابط ایران و روسیه در قرن جدید، اتحاد استراتژیک یا همگرایی منافع»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۲، شماره ۴، صص ۲۱۰-۱۸۱.
- اطهری، سید اسدالله و بهمن، شعیب (۱۳۹۰)، «روسیه و خاورمیانه جدید، راهبردها و چالش‌ها»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، دوره ۴، شماره ۱۷.
- امیراحمدیان، بهرام و گودرزی، مهناز (۱۳۸۹)، دریای خزر، منافع روسیه و امنیت ایران، تهران: نشر قومس.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس جمهوری روسیه، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت ... العظمی خامنه ای، ۱۰/۸/۱۳۹۶.
- جعفری، علی اکبر و تقی نژاد، روح الله (۱۳۹۱)، «بایسته‌های روابط آینده ایران و روسیه، از الزامات فناوری پایه تا اقتضائات انرژی محور»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۰.
- جکسون، رابرت و سورنسون، گنورک (۱۳۹۰)، درآمدی بر روابط بین الملل، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی زاده و حسن سعید کلاهی، تهران: نشر میزان.
- خبرگزاری فارس، بازار ۱۴۶ میلیون نفری روسیه ظرفیتی برای کالاهای ایرانی، ۲۵/۱۰/۱۴۰۰.
- دویچ، کارل و دیگران (۱۳۷۵)، نظریه‌های روابط بین الملل، ترجمه وحید بزرگی، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- سجادپور، محمدکاظم (۱۳۷۴)، «گسستگی هویت در جمهوری‌های بازمانده از شوروی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹.
- سریع القلم، محمود (۱۳۸۰)، روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تهران: نشر و پژوهش فروزان روز.
- سیف زاده، سید حسین (۱۳۸۴)، نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی-جهانی شده: مناسبت و کارآمدی، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- شوری، محمود (۱۳۸۸)، «ایران و روسیه: از موازنه قدرت تا مسئله هویت»، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره ۲.
- شیرخانی، محمدعلی و همکاران (۱۳۹۳)، «موازنه نرم: بریکس و چالش برتری آمریکا»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۳.

عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

علیپور گرجی، محمود و همکاران (۱۳۹۹)، «جایگاه جمهوری اسلامی ایران در موازنه سازی نرم روسیه در قبال آمریکا»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۱۵-۱.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چاپ ۱، تهران: انتشارات سمت.

کامروا، مهران (۳۸۸)، خاورمیانه معاصر، ترجمه محمدباقر قالیباف و سید موسی پورموسوی، تهران: نشر قومس.

کولایی، الهه (۱۳۷۶)، سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، تهران: انتشارات سمت.

متقی، ابراهیم (۱۳۸۷)، «ژئوپلیتیک تعادل و موازنه نرم، مطالعه موردی: خاورمیانه در بین سالهای ۲۰۰۹-۲۰۰۱»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره یک.

مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۲)، «امنیت در آسیای باختری، شکل‌گیری ژئوپلیتیک طرح‌های نوین آمریکایی»، گزارش‌ها و تحلیل‌های نظامی-راهبردی، سال چهارم، شماره ۳۵.

نیاکویی، سید امیر و صفری، عسگر (۱۳۹۷)، «الگوی رفتاری روسیه در نظام بین‌الملل، تلاش برای دستیابی به موازنه قوای مطلوب (۲۰۱۸-۲۰۱۴)»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۴، شماره ۱۰۳.

هنسن، برت و پتر تافت و آندره ویول (۱۳۹۰)، راهبردهای امنیتی و نظم جهانی آمریکایی، قدرت از دست رفته، ترجمه امیر نیاکویی و احمد جانسیز، گیلان: انتشارات دانشگاه گیلان.

Oliker, Olga (2009), Crane. Keith, Schwartz. Lowell H. and Yusupov. Catherine, Russian Foreign Policy; Sources and Implications, Published by RAND Corporation.

Trenin, Dmitri (2009), Russia's Policy in the Middle East: Prospects for consensus and conflict with the United States, A Century foundation Report.

Walt, Stephen M (2004), Can the United States Be Balanced? If so, How? Prepared for delivery at the 2004 Annual Meeting of American Political Science Association.

Waltz, Kenneth (Summer 2000), Structural Realism after the Cold War, International Security, vol.25, No.1.